



رویکرد «تربیتی» در همه جای تفسیر المیزان به چشم می‌خورد

پژوهشگر علوم قرآنی ضمن اشاره به اینکه قرآن کتابی زنده، زنده‌کننده و دارای رشد است تصریح کرد: در طول تاریخ شیعه و سنی برجسته‌ترین علما به تفسیر قرآن پرداختند و از آن حرف نو آوردند و این نوآوری‌ها از قرآن بوده است.

پژوهشگر علوم قرآنی ضمن اشاره به اینکه قرآن کتابی زنده، زنده‌کننده و دارای رشد است تصریح کرد: در طول تاریخ شیعه و سنی برجسته‌ترین علما به تفسیر قرآن پرداختند و از آن حرف نو آوردند و این نوآوری‌ها از قرآن بوده است.

به گزارش ایکننا، نشست نقد و بررسی فشرده جامع ترجمه تفسیر المیزان اثر حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی خسروی؛ پژوهشگر مطالعات قرآن، با حضور نویسندگان و خلیل پروینی؛ استاد زبان و ادبیات عرب، روز گذشته ۱۸ مرداد در موسسه اطلاعات برگزار شد.

در ابتدای نشست خسروی به توضیح درباره کتاب المیزان پرداخت و گفت: قرآن کریم معجزه خالده است. از معجزات انبیا مثل عصای موسی و نفس حضرت عیسی چیزی باقی نمانده است تنها معجزه ای که باقی است قرآن کریم است و معنای معجزه این است اگر کسانی بتوانند نظیر آن را بیاورند آن دین و آن معجزه باطل اعلام می‌شود. هنوز هم بعد از گذشت ۱۴۰۰ سال نتوانستند نظیر قرآن را بیاورند و قرآن امروز هم معجزه است. امروز هم اعلام می‌کند اگر مانند مرا بیاورید من از ادعایم دست برمی‌دارم. ویژگی اعجاز انبیا حیات بوده است. عصای حضرت موسی زنده بوده، دم عیسوی زنده کننده بوده است و قرآن هم احیاگر است. چیزی می‌تواند احیاگر باشد که خودش زنده باشد. چیزی که زنده است دارای رشد است، دارای اثر است لذا قرآن در هر دوره ای حرف جدیدی داشته و علما از زنده بودن قرآن الهام گرفتند و حرف نو زدند و هرگز نوآوری‌های قرآن تمام نخواهد شد چون همیشه زنده است. از تبیان شیخ طوسی تا تفسیر تسنیم آیت الله جوادی آملی، از کشف زمخشری تا فی ظلال القرآن سیدقطب، در طول تاریخ شیعه و سنی برجسته‌ترین علما به تفسیر قرآن پرداختند و حرف نو آوردند و این نوآوری‌ها از قرآن بوده است.

هنرنامه‌ی علامه طباطبایی در تفسیر سوره یوسف

وی افزود: نکته ای که حائز اهمیت است این است که نوعاً مفسرین قرآن را متناسب با شرایط روز تفسیر کردند و ذوق شخصی آنها در این زمینه دخالت داشته است مثلاً برخی تفاسیر ادبی است، برخی تفاسیر تحت تاثیر پیشرفت های علوم جدید رویکرد علوم طبیعی دارد ولی المیزان تفسیر ویژه ای است. گرچه نویسنده آن فیلسوف بوده و شاید تصور شود المیزان باید وجهه فلسفی اش بیشتر باشد ولی اینگونه نیست. المیزان علاوه بر اینکه مباحث تاریخی، حقوقی، روایی و مباحث مختلف دیگری را مطرح کرده اما یک گرایش از ابتدای قرآن تا انتهای قرآن در آن به چشم می‌خورد و آن گرایش این است که قرآن یک کتاب تربیتی است. تربیتی که مد نظر علامه طباطبایی بوده این بوده که مربی عالم، خداست و ربوبیت پروردگار است که همه چیز را در مدار خود قرار داده است. از هر آیه و موضوع ایشان بلافاصله این استفاده را می‌کند که همه کاره عالم خدا است و مسبب الاسباب اوست. ایشان سوره یوسف را سوره ولایت می‌داند یعنی ولایت و سرپرستی خدا را در این ببینید که یوسف را از چاه به ریاست رساند. آن پیراهنی که موجب شده بود چشمان یعقوب نابینا شود همان پیراهن موجب شد چشمان یعقوب بینا شود. علامه اینجا هنرنامه‌ی دقیقی کرده و می‌فرماید اینگونه نیست خدا برای هر چیزی سبب جدایی بیافرید بلکه همان سببی که موجب نابینایی است را تغییر می‌دهد تا سبب بینایی شود.

خسروی ادامه داد: در این بخش خواستم این نکته را ذکر کنم که المیزان در جامعه مغفول واقع شده است. المیزان یک کتاب اخلاقی و تربیتی است، تفسیری است که می‌تواند انسان را پله پله تا بالاترین معارف انسانی اوج دهد. این حالت در تفاسیر دیگری به این شکل دیده نمی‌شود.

وی تصریح کرد: المیزان را افراد مختلفی ترجمه کردند از جمله آیت الله حجتی کرمانی ولی هر کدام بخشی از کتاب را ترجمه کردند. ایشان که در زندان شاه بودند طی نامه ای از علامه اجازه می‌گیرند یکی از جلد های المیزان را ترجمه کنند و ایشان هم مکتوب اجازه می‌دهند. ایشان در زندان یکی از مجلدات المیزان را به زیبایی ترجمه می‌کنند که بنده هم از ترجمه ایشان استفاده کردم. کسی که توفیق داشت همه مجلدات را ترجمه کند استاد موسوی همدانی است. بخش های فراوانی از ترجمه ایشان به نظر علامه طباطبایی رسیده است. علت انتخاب ترجمه ایشان این دو نکته بود یکی اینکه کامل بود و دوم اینکه به نظر علامه طباطبایی رسیده بود.

اوج زبان عربی قرآن است

در ادامه نشست خلیل پروینی اظهار کرد: آقای جوادی آملی می گفتند هرکس ادبیات عرب بلد نباشد قرآن روزی او نمی شود. ادبیات عرب دو معنا دارد یکی صرف و نحو، دوم مطالعه شعر و نثر فصیح عربی که قرآن به این زبان نازل شده است. رساله دکتری من درباره داستان های قرآن بود. آن زمان دیدم عربی دانستن برای من کمک هایی می کند و از طرف دیگر گمشده ما که عربی می خوانیم قرآن است چون اوج زبان عربی قرآن است. همه گفتند سخن ادبی، یا شعر است یا نثر است یا قرآن است یعنی قرآن نه شعر است نه نثر است ولی قرآن، قرآن است.

وی افزود: از این جهت کار استاد خسروی کار بسیار سنگینی بوده است خصوصا ایشان المیزان را انتخاب کردند که دایره المعارف علوم اسلامی است که مباحث مختلفی در آن مطرح شده است. بنابراین تلخیص این کتاب بسیار سخت است. مضافا ایشان این کار را با دو محدودیت بزرگ انجام دادند یکی اینکه متن عربی المیزان متن روانی نیست، دوم اینکه ترجمه آن ترجمه روانی نیست. این نکته را هم عرض کنم که سنت تلخیص از گذشته در تمدن اسلامی در حوزه های مختلف وجود داشته و این سنت برای دوران معاصر ضروری تر است چون انسان امروز حوصله اش کمتر شده است.

در ادامه خسروی توضیح داد: کل تفسیر المیزان ۱۶ هزار صفحه است. قرار شد ما این متن را در ۴ هزار صفحه خلاصه کنیم. ما از کجای کتاب زدیم؟ مرحوم علامه بعد از چند آیه یا چند صفحه گفتارهایی دارد مثلا گفتاری درباره ذوالقرنین، گفتاری درباره حسد، درباره خودسازی یعنی بحث مستقلی را در ۱۲ یا ۱۵ صفحه آورده که خودش مجموعه ای از مطالب ارزشمند است که خیلی مرتبط با آیات نیست. قبلا تلخیص هایی از المیزان شده که کلا این گفتارها را کنار گذاشتند ولی من این کار را نکردم بلکه گفتارهایی که به آیه مربوط است و می تواند مفید باشد را تلخیص کردم مثلا گفتاری که درباره غار کهف است آوردم، گفتاری که درباره ذوالقرنین است را آوردم. سعی کردم چیزی بر نظرات علامه نیفزایم و آنچه بوده را به صورت مختصر بیاورم ولی مباحثی مثل داستان عیسی در تورات و انجیل را کلا حذف کردم بنابراین یک بخش از حذفیات من شامل گفتارهای مستقل می شد. بخش دیگر حذفیات در مباحث روایی بود. من سعی کردم بحث روایی را با دقت بخوانم. اگر در تفسیری که در آیه صورت گرفته ایشان آن برداشت را از روایت کرده من آن روایت را کنار آن برداشت قرار دادم.

وی اشاره کرد: بخش دیگری برخی نظرات نادر و شاذ بود که ایشان نقل و رد کرده. این نظریات نادر هیچ تاثیری در موضوع نداشت لذا آنها را حذف کردم. پنجمین بخشی که حذف کردم شاهد مثال بود. ایشان برای اثبات یک موضوع از آیات دیگر شاهد می آوردند. گاهی این شاهدها با دو سه آیه مطلب را می رساند و نیاز نبود تمام آیات مرتبط ذکر شود لذا من به همان یکی دو آیه اکتفا کردم. مهمترین بخش از حذف شده ها تنوع استدلال ها و مباحث طولانی بود که ایشان در موضوعی آوردند. این بخش هایی بود که با حذف آنها توانستم ۱۶ هزار صفحه را در ۴ صفحه جمع کنم.